



مشخصه‌های حقوقی مبارزه با

اشغال‌گران در گفتمان رسانه‌ای

# عقیده جنگ طلبانه صهیونیسم

محمد سعید الطیب

(وکیل و مشاور حقوقی از عربستان)

## مقدمه

گرایش‌های موجود در جهان عرب - از آغاز دهه پنجاه میلادی - درباره نقش و مسؤولیت‌های اطلاع‌رسانی را می‌توان در سه محور عمده خلاصه کرد، محورهایی که بر خط مشی‌های گفتمان رسانه‌های عربی طی این مقطع مهم از تاریخ معاصر عرب، اثرهای فراوان داشته‌اند.

## گرایش اول

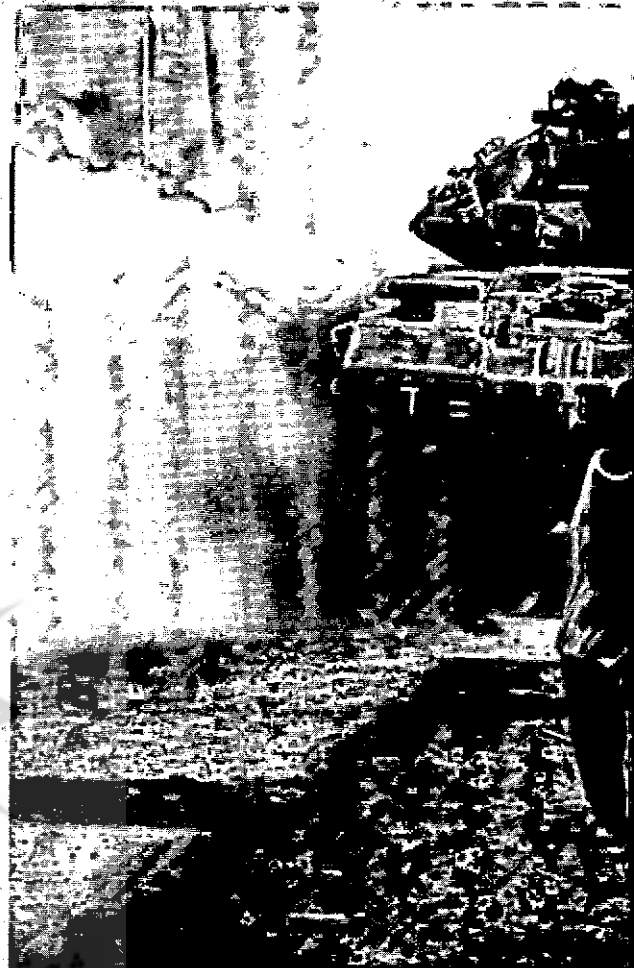
این گرایش، به ضرورت تحکیم و نهادینه کردن اطلاع‌رسانی، به منظور تحقق اهداف فراگیر ملی یعنی وحدت جهان عرب و آزادسازی فلسطین از سیطره اشغال‌گران صهیونیست، معتقد است. از منظر این گرایش، نخستین وظیفه جریان اطلاع‌رسانی عربی، ایجاد یک تفکر ملی گرا، تشویق ابتکار عمل‌های وحدت‌بخش ارائه‌شده از سوی دولت‌ها و بسیج کردن ملت‌های عرب برای دستیابی به وحدت نظر درباره این هدف مهم و اساسی است. از همین رو، باید فعالیت‌های اطلاع‌رسانی در جهان عرب آغاز شود تا هدف یادشده تحقق یابد. بدین خاطر کشورهای عربی به اطلاع‌رسانی نیاز مبرم دارند تا از رهگذر آن، علاقه و پیوندهای منطقی‌های را به علاقه‌ها و پیوندهای ملی بدل کنند و کشورهای عربی بتوانند ملت‌های خود را به تمامی دستاوردهای مهم و مدرن در فرهنگ ملی و جهانی مجهز سازند، آنان را برای مقابله با اقدامات خصمانه صهیونیست‌ها و نبرد با تکیه‌گاه واقعی آنان، یعنی اسرائیل، به آگاهی سیاسی مسلح کنند. هم‌چنین آنان را از ضرورت درک رابطه حیاتی‌ای که میان آزادسازی فلسطین و تحقق وحدت فراگیر عربی وجود دارد، آگاه سازند. از همین نکته می‌توان ضرورت به خدمت گرفتن رسانه‌های گروهی عربی را درک کرد و به نقش محوری آن در تحقق آزادی و وحدت ملی پی برد.

## گرایش دوم

از نگاه این جریان، وظیفه اساسی رسانه‌های عربی - پس از استقلال کشورها - سهیم شدن در رشد و توسعه فراگیر ملی و تحقق عدالت اجتماعی در تمام جهان عرب است. این جریان معتقد است که عوامل اطلاع‌رسانی (به‌عنوان جزئی لاینفک از روشن‌فکران) مسؤولیت‌هایی دوچندان در قبال سرزمین خویش دارند، سرزمینی که با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعدد و گوناگون دست‌وپنجه نرم می‌کند.

## گرایش سوم

این گرایش، اولین وظیفه اطلاع‌رسانی پس از استقلال را تعمیق فرآیند دموکراسی از طریق آزادی بیان و نقد عمل کردها می‌داند، به‌ویژه آن‌که مطالبوعات عربی - طی مقطع مبارزه ملی - موفق شده‌اند تا مجموعه‌ای از آداب و منش‌های دموکراتیک را از طریق رویارویی با قدرت‌های استعمارگر نهادینه سازند و از همین رو، وظیفه رسانه‌ها - به‌ویژه مطبوعات - این است که به مسؤولیت‌های خود در حفظ و تحکیم این میراث دموکراتیک که در شکل‌یافتن آن سهیم بوده‌اند، استمرار بخشند. این وظیفه اطلاع‌رسانی، تنها با نقد سازنده طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دولت‌های ملی جامه



### مشخصه‌های حقوقی انتفاضه در گفتمان رسانه‌ای

انتفاضه فلسطین، گفتمانی را به خود اختصاص داد که تاریخ انتفاضه را از زمان پیدایش تا دوران پایداری و مبارزه با اشغال‌گران غاصب شامل می‌شود. این گفتمان در مسیر مفاهیم سیاسی، اجتماعی و حقوقی گفتمان پیش از خود و با هدف نمایاندن و معرفی این ابزارها به‌عنوان مبنایی حقوقی در برابر دیدگان جهانیان و با وجود قوانین جهانی شکل گرفت.

نگاهی دقیق به مشخصه‌های حقوقی انتفاضه در گفتمان رسانه‌ای، ما را به این موضوع رهنمون می‌سازد که هدف اساسی انتفاضه، مانع‌شدن از پابرجایی و پایداری ظلم و ستم چندین و چند ساله، آن هم با در پیش گرفتن مبارزه مسلحانه و رویارویی با این افسانه یهودی که قائل به این کلام است که: «شمشیر و تورات در لفافه‌ای واحد از آسمان نازل شدند» و هم‌چنین عقیده جنگ‌طلبانه یهودیان مبنی بر این که: «بر شماست که با استخوان‌های دشمنان خود بجنگید، و گرنه با استخوان‌های خود خواهید جنگید» با این هدف شکل گرفت که، ضریه‌نگ عملیات شهادت‌طلبانه هم‌زمان با گفتمان رسانه‌ای که مهم‌ترین مشخصه‌های حقوقی آن جای‌دادن مسأله فلسطین در رأس نزاع‌های اقلیمی در جهان است شدت گرفت. بدین ترتیب عناوینی عاری از وجود اشغال‌گران، به پرونده‌های بین‌المللی افزوده گشت. انتفاضه هم‌چنین توانست - با واقع‌گرایی - خواسته‌های خود مبنی بر لغو فوری قانون شرایط فوق‌العاده صادر شده در عهد قیمومیت بریتانیا و مواد مندرج در آن درباره تبعید، بازداشت اداری بدون محاکمه و تخریب خانه‌ها و اراضی و هم‌چنین درخواست آزادی بازداشت‌شدگان و لغو مالیات اضافی را ارائه دهد. علاوه بر این، انتفاضه برای قانون‌مند کردن مبارزه مسلحانه خود و تطبیق آن با موازین عدالت و قانون، تعاملی هوشمندانه با رسانه‌های گروهی غربی داشته است.

می‌توان گفت تأیید انتفاضه از سوی فلسطینیان و برخی از کشورهای عربی، آن را قادر ساخت تا دستاوردهای بزرگی را تحقق بخشد که نمود عینی آن ایجاد بحران در اوضاع اقتصادی، سیاسی و امنیتی حکومت یهودیان و نتیجه آن، اتخاذ تدابیر و انجام اقدامات حقوقی و پارلمانی از سوی یهودیان برای جلوگیری از این بحران است. افزون بر این، انتفاضه توانسته است اتفاق نظری بین‌المللی را درباره ضرورت برپایی دولت مستقل فلسطینی با حاکمیت خاص خود و پایان‌بخشیدن به اشغال‌گری‌های اسرائیل محقق سازد.

از نقطه نظر حقوقی و قانونی، برخی بر این نظرند که اظهار نظرهای اخیر رهبران حماس که نوک نیزه انتفاضه را شکل می‌دهند در رسانه‌های گروهی، مبنی بر خون‌خواهی و انتقام - پس از انجام هر عملیات ترور یا بازداشت یکی از رهبران یا مقامات برجسته آن - آثاری منفی بر جای خواهد گذاشت و مفاهیم را وارونه و آن را از حرکتی (جنبشی) با تفکر استراتژیک و جامع در رویارویی یا دشمنان یا ضوابط حقوقی و قانونی، به مجموعه‌ای از مبارزان بدل می‌کند که با ضوابط حقوقی و قانونی، به خون‌خواهی روی می‌آوردند، اما در این زمینه فرق زیادی میان جنبش مبارزه مسلحانه و قانون‌مند شده به‌وسیله مجموعه‌ای از معاهده‌ها، قوانین بین‌المللی، ارزش‌های والا، متون دینی، عرف‌ها از یک طرف و نیز عملیات خون‌خواهی و انتقام که بیان‌گر محدودیت افق دید و کوتاه‌بینی عاملان آن است از طرف دیگر وجود دارد. البته این، به‌معنای محکوم کردن قصاص اسلامی نیست، ولی بیم آن می‌رود

عمل می‌پوشد. طرفداران این گرایش برای فضای دموکراتیک فضای مناسبی برای انجام مسؤلیت‌های تاریخی اطلاع‌رسانی در جهت شکل‌دادن به گرایش‌ها و خط مشی‌های افکار عمومی و بیسان آن‌ها با حفظ امانت و بی‌طرفی پدید می‌آورد. مسأله‌ای که مشارکت بخش اعظم ملت‌های عربی را به‌دنبال خواهد داشت، آن هم برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و ملی و شکل‌دهی مجدد شرائط اجتماعی و فرهنگی عربی، متناسب با میراث تمدنی و منافع اقتصادی و سیاسی.

### گفتمان رسانه‌ای عربی و مسأله فلسطین

گفتمان رسانه‌ای عربی طی تعامل خود با مسأله فلسطین، با وجود نیاز مبرم و آشکار به واقع‌گرایی، تا اندازه‌ای به‌صورت یک گفتمان احساسات‌گرا و عاطفی درآمده است که پایه و اساس کار خود را بر تالیف و نگارش قصاید، مزامی، نوحه‌ها و محکوم کردن جنایات می‌گذارد. تمامی این‌ها، جدا از ضروریات دیگری بود که به‌منظور انبساط و بطلان تبلیغات اسرائیلی توجیه‌کننده اشغال‌گری‌ها و تمامی اشکال تروریسم، سرکوب و ستم‌ها، می‌بایست ارائه و بررسی شوند. ابطال ادعاهایی نظیر: «سرزمین بی‌ملت، برای ملتی بی‌سرزمین»

انتفاضه توانسته است اتفاق نظری بین‌المللی را درباره ضرورت برپایی دولت مستقل فلسطینی با حاکمیت خاص خود و پایان‌بخشیدن به اشغال‌گری‌های اسرائیل محقق سازد.

در سند استقلال، بر این نکته تأکید شد که برپایی دولت فلسطین، متکی بر حق تاریخی و قانونی ملت آن در سرزمین خود یعنی فلسطین و بر پایه اینترگری‌های نسل‌های متوالی آن در دفاع از آزادی و استقلال میهن خویش است

که روند مبارزه اسلامی و جهاد برای آزادی، به خون خواهی صرف و متأثر از روش‌های دشمن، تغییر باید، سپس انتفاضه در دام موسوم به تروریسم بیافتد و به خروج از قانون‌مندی بین‌المللی که - با تأسیف فراوان - بسیاری از سیاستمداران و قلم به داستان جهان عرب به دنبال آن راه افتاده‌اند، متهم شود.

از دیگر مشخصه‌های حقوقی در گفتمان رسانه‌ای انتفاضه، استناد به حق قانونی در دفاع از خود و سرزمین خود است. در این حالت، حق مبارزه، بر حق حیات مقدم می‌شود، چرا که حیات و مبارزه هم‌زاد ملتی شده‌اند که تحت اشغال اشغال‌گران است.

به اعتقاد من، یکی از عمده‌ترین مشخصه‌های حقوقی انتفاضه، «سند استقلال» است که مهم‌ترین تصمیم سیاسی در تاریخ جنبش ملی فلسطین از آغاز آن بوده است. این سند - با اکثریت قاطع آرا - در جلسه فوق‌العاده شورای ملی فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ م. که به جلسه انتفاضه موسوم شد، به تصویب رسید.

در سند استقلال، بر این نکته تأکید شد که برپایی دولت فلسطین، متکی بر حق تاریخی و قانونی ملت آن در سرزمین خود یعنی فلسطین و بر پایه اینترگری‌های نسل‌های متوالی آن در دفاع از آزادی و استقلال میهن خویش است، حتی که برخاسته از تصمیمات نشست‌های سران و قانون‌مندی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد است.

در این سند - به هنگام تبدیل شدن به یک سند قانونی - به این نکته اشاره شده است که به دنبال صدور قطعنامه شماره ۱۸۱ سال ۱۹۴۷ م، مبنی بر تقسیم فلسطین به دو دولت عربی و یهودی، ملت فلسطین، آواره و از حق خود در تعیین سرنوشت خویش محروم شدند. در سند استقلال، تأکید شده است که این قطعنامه کماکان برای مشروعیت بین‌المللی که ضامن حق ملت فلسطین در حاکمیت و استقلال است، شروطی قائل است.

تأکید انتفاضه بر این امر که سازمان آزادی‌بخش فلسطین در هر جا تنها نماینده قانونی ملت فلسطین است و تأکید بر این نکته که هرگونه راه‌حلی باید از دروازه مشروع فلسطین بگذرد، بعدی قانونی به گفتمان اطلاع‌رسانی آن بخشید. در مقابل، وزارت خارجه اسرائیل، اهتمام رسانه‌های گروهی جهان را بر بازتاب حوادث مربوط به انتفاضه و به‌طور خاص ترورها درک و دریافت کرد - و همچنین دریافت که روزنامه‌ها و مجلات آمریکایی تلاش خود را مصروف پوشش‌دادن به فعالیت‌های انتفاضه می‌کنند و به نقض قوانین و معاهده‌های بین‌المللی از سوی اسرائیل می‌پردازند.

حکومت خودگردان فلسطین، از این پوشش خبری، استفاده بهینه را برد و به‌دستور یاسر عرفات، اقدام به تشکیل «هیأت مستقل فلسطینی حقوق شهروند» کرد. این هیأت با گوشزد کردن خطرات ناشی از ترورها، بیانیه‌هایی را به‌صورت اعلامیه در روزنامه‌های داخلی، تحت عنوان «آماده‌سازی فراقانونی» منتشر ساخت که متضمن مقدمه‌ای درباره عدم مشروعیت اقدامات اسرائیل در نقض قوانین و قراردادهای بین‌المللی بود.

این هیأت همچنین خواستار دخالت کمیساری عالی حقوق بشر شد و سازمان‌های عمومی حقوق بشر را به انجام مسؤولیت‌های خود در محکومیت و توقف حملات تروریستی اسرائیل فراخواند.

هم‌چنین از این سازمان‌ها خواست تا حکومت خودگردان را به انجام وظایف خود در حمایت از شهروندان خویش و انجام تحقیقات جدی درباره تعقیب و محاکمه مزدوران اسرائیل ملزم سازند و این در حالی بود که رئیس ستاد ارتش اسرائیل جنایات خود را این‌گونه توجیه می‌کرد که: «اقدامات ارتش اسرائیل بر پایه راهنمایی‌های دادستان کل نظامی اسرائیل صورت می‌گیرد و

نیروهای نظامی و دستگاه‌های امنیتی به‌منظور خنثی‌سازی تمامی اقدامات مخالفان، می‌توانند از تمامی ابزارهای ممکن استفاده کنند.» وی تأکید کرد که: «ارتش تحت فرماندهی وی، به‌کارگیری تمامی ابزارها را - از جمله عملیات ترور که به‌طور گسترده از سوی رسانه‌ها پوشش داده می‌شدند - استمرار خواهد بخشید».

پوشش خبری ترور توسط رسانه‌های گروهی اسرائیل، توجه بیش‌تر فلسطینیان را به مزدوران اسرائیل در داخل اراضی فلسطینی به دنبال داشت و با وجود آن که حکومت فلسطین این مزدوران را به دادگاه بین‌المللی تحویل می‌داد تا از انتقادات سازمان حقوق بشر مبنی بر صدور احکامی از پیش تعیین‌شده جلوگیری کند، با این حال، خبررسانی مزدوران اسرائیل در اراضی اشغالی، خطایی بارز را در گفتمان رسانه‌ای دنبال‌رو افکار عمومی جهان شکل داد.

برخی از استادان حقوق کیفری بر این باورند که تلقی هیأت منصفه از اعترافات متهمان در برابر دادستان کل، به‌عنوان اعترافات قضایی و غیرقابل بحث، موضوعی تأمل‌برانگیز است، زیرا تلقی اعترافات در حضور دادستان کل، آن هم به‌صورت مطلقاً غیرقابل بحث، رویه‌ای قضایی را به‌وجود خواهد آورد که ممکن است عواقبی را در قضایای سیاسی یا غیر از آن در آینده به دنبال داشته باشد!

#### مؤخره

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های اطلاع‌رسانی جهان امروز، پیشرفت تکنولوژیک وسایل ارتباطی به‌لحاظ کمی و کیفی و نیز قدرت و توان رسانه‌های گروهی و اطلاع‌رسانی در گسترش حوزه عمل کرد خود به دورترین مکان ممکن، به‌لحاظ مکانی است. امری که به نوبه خود، تحولی اساسی را در ماهیت وظایف و نقش‌های وسایل ارتباط جمعی در پی داشته است، مسأله‌ای که مسؤولیت‌ها و وظایف اطلاع‌رسانی را در بهره‌وری از این فضای باز جهانی به‌منظور عرضه و ارائه مسأله فلسطین با گفتمان رسانه‌های عینی و عقلانی دوچندان می‌کند. بی‌تردید، انتفاضه جنبه‌ای دیگر به مسأله فلسطین افزود تا حقوق دانان، هیأت‌های حقوقی، دادگاه‌های عربی و سازمان‌های حقوق بشر به‌منظور مشروعیت‌بخشیدن بیش‌تر به مبارزات انتفاضه و حق قانونی آن در مبارزات مسلحانه از آن استفاده لازم را ببرند.

در نهایت باید گفت که رهبران انتفاضه - از زمان اعلام آتش‌بس - مبارزه‌های مسالمت‌آمیز را بر ضد اشغال‌گران اسرائیلی در پیش گرفته‌اند که از نشانه‌های آشکار آن، دعوت به آزادی اسرا و بازداشت‌شدگان را می‌توان نام برد، اما اسرائیل - متأسفانه - این نوع مبارزه را تحقیر کرده است، با آن هم‌چون یک آشوب برخورد می‌کند و به‌شکلی وحشیانه و نفرت‌انگیز به سرکوب این جنبش می‌پردازد. تا آن‌جا که نظامیان اسرائیلی با محاصره روستاها از رسیدن غذا به روستاییان جلوگیری می‌کنند و مانع از عزیمت کشاورزان به زمین‌های کشاورزی خود می‌شوند. این موضوع ما را به نقطه حقوقی بسیار مهمی رهنمون می‌کند و آن این که بسیاری از فلسطینیان، چه در اراضی اشغالی و چه از میان آوارگان، اسنادی قانونی دال بر مالکیت اراضی و اموال غیر منقول خود را دارا هستند، اسنادی که مورد تأیید تمامی کشورهای دنیا به جز دولت اسرائیل است، با این حال این رژیم ادعا می‌کند که تنها دولت موجود در منطقه است که به حاکمیت قانون احترام می‌گذارد. اما متأسفانه این مسأله قانونی در گفتمان رسانه‌های عرب - در سایه شعله‌ور شدن انتفاضه - که بسیاری از جوانان را با عدم استحقاق پوشش رسانه‌ای آن‌ها روشن کرده، مورد توجه قرار نگرفته است. ■